

تعریف و ترسیم مهارت‌آموزی

در نشست با مسئولین و دبیران دبیرستان دوره اول

در تاریخ ۹۷/۱۰/۱۲ نشستی با موضوع بررسی فعالیت‌های مهارت‌محور دبیرستان‌های دوره اول برگزار شد. در این نشست آقایان فراشاهی کارشناس مقطع دبیرستان دوره اول، درخشان مدیر مرکز خلاقیت مجتمع آموزشی، روناسیان مدیر دبیرستان، مجدی دبیر علوم اجتماعی و دهقانی دبیر علوم، رهبر معلم فرهنگ‌و هنر و خانم‌ها رضوی مدیر دبیرستان دخترانه، حبیبیان دبیر فرهنگ‌و هنر و حق‌جو دبیر کاروفن‌آوری، تعاریف و نظرات خود را در ارتباط با مهارت‌پروری در آموزش بیان کردند.

فراشاهی: موضوع این شماره نشریه مدرسه ما به بحث مهارت‌ها اختصاص یافته است. در این خصوص دو برنامه همزمان در مدارس متوسطه دوره اول اجرا می‌شود، یک فعالیت مربوط به دروس فرهنگ‌و هنر و کاروفن‌آوری است که در قالب برنامه رسمی آموزش‌وپرورش قرار دارد. دیگری خارج از برنامه رسمی با همکاری پارک علم‌وفن‌آوری و مدیریت آقای درخشان انجام می‌شود که فقط مختص متوسطه دوره اول نیست و با عنوان مرکز خلاقیت از پیش‌دبستان تا دبیرستان، در مجتمع آموزشی فعالیت دارند. امروز برای شنیدن نظرات شما درباره ضعف‌ها، قوت‌ها و راهکارهایی که در این ارتباط دارید، اینجا جمع شده‌ایم.

زارع: مهارت هم می‌تواند مهارت‌های فنی و هم مهارت‌های رفتاری که سازمان جهانی بهداشت آن‌ها را در ده مورد خلاصه کرده است، در بر بگیرد، حال از نظر شما مهارت چه معنا و مفهومی دارد و ضرورت پرداختن به آن را از منظر خود بیان کنید؟

درخشان: در سال‌های گذشته وقتی طرح‌هایی را با موضوع اختراع و نوآوری دانش‌آموزی به وزارت‌خانه می‌بردیم، باید توجیه می‌کردیم که چرا به این طرح‌ها و مسابقات نیاز است. اما الان می‌بینیم که خود وزارت‌خانه در «سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش» به نکات خوبی در ارتباط با آموزش‌های فوق‌برنامه، مهارت‌آموزی و آموزش‌های برون مدرسه‌ای اشاره کرده و آن‌ها را مکملی برای آموزش رسمی دانسته است. در «سند راهبری نخبگان» هم تاکید زیادی بر آموزش‌های غیر رسمی شده، حتی اسباب‌بازی را جزو موارد مورد نیاز دانش‌آموزان در مدرسه ذکر کرده است. خلاصه تاکیداتی که در سندهای تحول بنیادین، سندهای راهبردی، سیاست‌های کلی و برنامه‌هایی که در حال اجرا شدن است، ضرورت پرداختن به مهارت‌ها در آموزش را نشان می‌دهد.

ما در مرکز خلاقیت مهارت را پیش‌نیاز خلاقیت می‌دانیم. یعنی تا زمانی که فردی صاحب مهارت یا هنری نباشد،

نباید از او انتظار خلاق بودن داشت. از طرفی یک اصل لازم برای ورود به حوزه‌های کار و فعالیت خلاقانه، فراگیری مهارت‌های مختلف است. یک دانش‌آموز باید بتواند با انواع مهارت‌ها که مدام در حال به‌روز شدن است، تا حد ممکن آشنا شود. بنابراین خوب است که مهارت‌ها به‌عنوان مجموعه‌ای از آموزش‌های فوق‌برنامه وارد مدارس شود. البته آموزش‌وپرورش هم به این امر واقف شده و به همین دلیل اجرای طرح «ایران مهارت» را در مدارس اجباری کرده است.

روناسیان: سواي سند بنیادین که آقای درخشان اشاره کردند، در حال حاضر پرداختن به این بحث در جامعه ما واقعا احساس می‌شود. نیاز جامعه فردا غیر از مسائل درسی، مهارت‌های مختلف تکنیکی، اجتماعی و شیوه‌های درست تحقیق و پژوهش است. مهارت‌آموزی در قالب آموزش‌های فوق‌برنامه از چهار سال پیش در مدرسه ما شروع شده است، یعنی قبل از رسمی شدن طرح ایران مهارت از سوی آموزش‌وپرورش. در حالی که هنوز خیلی از مدارس دولتی و حتی غیرانتفاعی به دلیل نبود امکانات کافی، امکان اجرای این طرح را ندارند. فعالیت‌های مهارتی مدرسه ما امسال در دو بخش اجرا می‌شود، یکی طرح ایران مهارت و دیگری طرح مطالعه و تحقیق که در سال‌ها گذشته نیز اجرا می‌شده ولی امسال شکل عملی و کاربردی‌تری به خود گرفته است. طرح ایران مهارت امسال با پیگیری‌های آقای فراشاهی و آقای درخشان، بهتر از سال گذشته در حال اجرا است. همچنین خوشحالم که در مدرسه ما مباحث غیر درسی مثل هنر، آموزش‌های خارج از کلاس و مدرسه و ... هم جدی گرفته می‌شود.

حبیبیان: به نظر من در پرداختن به بحث مهارت‌ها باید ارتباط آن را با آموزش پیدا کرد. یعنی مهارت‌ها و برنامه‌های درسی باید با هم منطبق شوند. پارسال من و معلم ریاضی برای تدریس دروس خود با موضوع نقوش هندسی دانش‌آموزان را به مسجد جامع بردیم و بچه‌ها مطالب مرتبط را به صورت عملی یاد گرفتند. این شیوه باعث شد خود بچه‌ها مشتاق‌تر شوند، حتی خانواده‌ها

مهارت یعنی
هر آموزشی
که از حالت
انشایی بیرون
آید و اجرایی
شود.

رهبر: حرف‌های ایشان درست است. آقای فراشاهی کارهای تحقیقاتی بیشتر انشایی هستند، وقتی در قالب عملی قرار می‌گیرند کارآیی ندارند. در طول این سال‌ها چند دستورالعمل یا ابلاغ شاخص داشتید که بگوید مهارت بچه‌ها را بالا ببرید؟

فراشاهی: امسال دو طرح داشتیم یکی طرح ایران مهارت که فنی‌وحرفه‌ای و آموزش‌وپرورش روی آن کار کرده‌اند در قالب خارج از برنامه درسی می‌باشد و به مدارس اختیارات زیادی داده‌اند. مثلاً در این طرح می‌توانید از مربی‌ها، امکانات فنی‌وحرفه‌ای هم استفاده کنید و می‌تواند باعث ایجاد تعامل خوبی بین مدارس و سازمان فنی‌وحرفه‌ای شود. همچنین به دانش‌آموزان گواهی شرکت در دوره هم داده می‌شود. یکی هم طرح «ویژه مدرسه» است که به نوعی موازی با طرح ایران مهارت ولی در قالب برنامه درسی است. البته این طرح‌ها روی کاغذ به نظر راحت می‌آید ولی در عمل کار سختی است.

رهبر: می‌خواهم بگویم وقتی بحث مهارت می‌شود بچه‌های ما غیر از نوشتن چیزی نمی‌دانند. اگر کلاس را در حیاط برگزار کنید و بعد، از بچه‌ها بخواهید حیاط را تمیز کنند، نمی‌توانند؛ یا اگر به آن‌ها یک پوست نی بدهید که ده عدد خلال دندان هم‌اندازه درست کنند،

مراجعه کردند که چگونه بچه‌هایشان می‌توانند در هنر پیشرفت کنند. امسال هم استقبال بچه‌های نهم برای رفتن به هنرستان بیشتر بود، چون شناختشان فقط تئوری نبود بلکه به یک مهارت عملی رسیده بودند. همچنین وقتی آموزش از قالب کلاس و درس خارج می‌شود، جذابیت بیشتری پیدا می‌کند. آموزش فقط با شیوه کتاب و کلاس مخصوصاً برای بچه‌های نسل جدید، جواب نمی‌دهد.

رهبر: در کل باید مهارت را با آموزش عجین کنیم. همچنین می‌توان گفت انجام هر فعالیتی خارج از چهارچوب کلاس مهارت است. زمانی که من در کلاس درس می‌دهم دانش‌آموزان مرتب به بهانه‌های مختلف حتی رنگی شدن انگشتشان می‌خواهند بیرون بروند. اما وقتی بیرون می‌رویم هیچ بهانه‌ای برای کار نکردن نمی‌آورند. مهارت یعنی هر آموزشی که از حالت انشایی بیرون آید و اجرایی شود. مثلاً من چون قبلاً معلم ریاضی بودم، در حیاط مفهوم فیثاغورث را روی موزاییک کشیدم و با بچه‌ها کار کردم، کاری که همیشه با گچ و تخته‌سیاه انجام می‌دادیم. حالا شاید با این شیوه معلم زحمتش بیشتر شود، اما با این روش هم مهارت و هم درس را همزمان می‌تواند آموزش دهد.

درخشان: فکر می‌کنم تعریف قشنگی است. اگر بخواهیم برای مهارت‌ها شاخص تعریف کنیم و اندازه بگیریم که این کار مهارتی بهتر است یا آن یکی، مثلاً نقاش مهارت بیشتری دارد یا نجار، به نتیجه درستی نمی‌رسیم. ولی این تعریف درست‌تر است، هر کاری از چهارچوب قاعده و آموزش‌های رسمی بیرون آید، یک کار مهارتی است.

رهبر: غیر رسمی نیست همان رسمی است که از چهارچوب بیرون آمده است.

مجدی: ما بچه‌هایی داریم که هرچند استعداد و محفوظات خوبی دارند و در آزمون‌ها رتبه‌های بالایی می‌آورند، اما در عمل یعنی در اقتصاد، صنعت، علم، پزشکی، نمی‌توانند این محفوظات را کاربردی و از آن استفاده کنند. بچه‌ها حتی در دانشگاه هم برای انجام کارهای تحقیقاتی یا عملی خود مشکلات بسیاری دارند، دلیل اصلی آن هم این است که مهارت‌ها در سطح پایه آموزش داده نمی‌شود، یعنی سال‌هایی که اوج یادگیری است و بچه‌ها باید یاد بگیرند چگونه درس بخوانند، چگونه کار عملی انجام دهند و حتی چگونه فکر کنند. برای رسیدن به این هدف باید مهارت‌ها را به‌صورت بنیادین کار کنیم و تا زمانی که طرح‌های آموزش‌وپرورش عملی شود، ما باید خودمان در بچه‌ها انگیزه ایجاد کنیم، استعدادهایشان را کشف کنیم تا بتوانند در این زمینه‌ها نیز رشد کنند. در رابطه با طرح مطالعه و تحقیق که من در هیچ مدرسه دیگری مشابه آن را ندیده‌ام، ما سعی کردیم به‌صورت پایه و عملی بچه‌ها را رشد دهیم حتی آن‌ها را بیرون هم بردیم، آن‌ها هم مشتاقانه کار را دنبال می‌کنند. این طرح اگر درست کار شود، می‌تواند جنبه عملی پیدا کند.

پرداختن
و توجه به
آموزش
مهارت‌ها،
در دوره
متوسطه
اول خیلی
مهم است
چون از دوره
کودکی وارد
بزرگسالی
شده‌اند
و مشغله
درسی یا
کنکور هم
آن‌چنان
ندارند،

در پرداختن
به بحث
مهارت‌ها
باید ارتباط
آن را با
آموزش پیدا
کرد.



عاجز هستند. در صورتی که قدیم در محله ما مرسوم بود بچه‌ها برای دستگاه‌های شهربافی شانه‌هایی با همین پوست نی درست می‌کردند. با این کار دو مهارت را یاد می‌گرفتند، یکی این که ابزار را خودشان درست می‌کردند و دستشان تقویت می‌شده و دیگری یاد می‌گرفتند هیچ چیز را دور نیاندازند، که یک مهارت اجتماعی بوده است. **حبیبیان:** مهارت دست بچه‌ها پایین است. من به بچه‌ها می‌گویم یکی از مواردی که ما را از جانوران دیگر مجزا

واقعیت این است که دوره استخدام و کارهای استخدامی تمام شده است و بچه‌ها راهی ندارند جز این که مهارت‌هایی که یاد می‌گیرند را در آینده به کار و شغل برای خود تبدیل کنند.

مهارت‌ها در سطح پایه آموزش داده نمی‌شود، یعنی سال‌هایی که اوج یادگیری است و بچه‌ها باید یاد بگیرند چگونه درس بخوانند، چگونه کار عملی انجام دهند و حتی چگونه فکر کنند.

حبیبیان: به نظر من هم چون تمام کتاب‌های دبیرستان دوره اول مباحث مرتبط زیادی با هم دارند مثلاً هنر، کاروفن‌آوری، علوم و ... می‌توانند همپوشانی بیشتری داشته باشند.

حق‌جو: پرداختن و توجه به آموزش مهارت‌ها، در دوره متوسطه اول خیلی مهم است چون از دوره کودکی وارد بزرگسالی شده‌اند و چندان هم مشغله درسی یا کنکور ندارند، پس زمان خوبی برای پرداختن به این بحث است. از طرفی باید نوجوان را برای هر کاری تشویق کنیم حالا نه فقط با جایزه، بلکه به او بها بدهیم، تشویق کلامی کنیم یا دستی بر سرش بکشیم چه پسر چه دختر، حتی شاید پسرهای نوجوان در این سن به توجه زیادی نیاز دارند، این تشویق‌ها آن‌ها را برای بهتر شدن ترغیب می‌کند.

در درس کاروفن‌آوری، ما مهارت‌های مختلف زندگی را به دانش‌آموزان می‌آموزیم. یکی از این مهارت‌ها، مهارت حل مساله است، بچه‌ها فکر می‌کنند حل مساله فقط مربوط به درس ریاضی است، هرچند در ریاضی هم این مهارت را بلد نیستند. نمی‌دانند که باید مساله را خوب بخوانند، برای خودشان تفهیم و بعد حل کنند! مهارت دیگر تمرکز است، در پایه نهم به دانش‌آموزان کار با مس را آموزش می‌دهم ولی می‌بینم بیشتر کلاس اصلاً تمرکز ندارند. سازگاری مهارت دیگری است که در این درس به آن می‌پردازیم. چند سالی است که کارهای گروهی در آموزش مرسوم شده است و من هم از این روش استفاده می‌کنم، اما سعی می‌کنم بچه‌هایی که با هم دوست هم نیستند را در یک گروه قرار دهم تا یاد بگیرند چگونه با افراد مختلف کنار بیایند. همیشه به بچه‌ها می‌گویم بچه‌ها من نقش‌های مختلفی در اجتماع دارم، یک معلم، همسر، مادرم، فرزند و ... هستم باید با نوع نقش‌ها خودم را سازگار کنم، این سازگاری در زندگی اجتماعی آن‌ها مهم است. یکی دیگر از موارد مهم در کارهای مهارتی در اختیار داشتن ابزار کافی است حالا چه خانواده چه مدرسه باید این ابزار را تهیه کنند. نکته مهم دیگر این که ما با توجه به مباحث درسی خود می‌توانیم کاستی‌های جسمی و روحی بچه‌ها را بهتر درک کنیم و به آن‌ها کمک کنیم. پارسال مادر یکی از دانش‌آموزان معتقد بود فرزندش کارهایش خیلی کند را انجام می‌دهد و باید یک مطلب، چند بار برایش تکرار شود. در کلاس دیدم که وقتی من معلم به او دقت و توجه می‌کنم خیلی هم خوب است حتی هر دفعه با خلاقیت خود سعی می‌کند کار جدیدی انجام دهد. با مادرش تماس گرفتم و گفتم فرزندش آن‌طور که تصور داشته، نیست. دید خانواده‌ها نسبت به بچه‌هایشان با دید معلم خیلی متفاوت است. انتخاب شغل آینده دانش‌آموزان هم از مواردی است که ضرورت پرداختن به مهارت‌آموزی را نشان می‌دهد. ما از پایه هفتم تا نهم پودمان‌هایی داریم که در هر پایه، بچه‌ها به صورت عملی با مشاغل مختلف آشنا می‌شوند و مهارت‌های اولیه در رابطه با هر شغل را کسب می‌کنند

می‌کند، توانایی استفاده از دست‌ها است. برای این که خودشان متوجه شوند هفته پیش به همه گفتم چاقو و خیار بیاورند و پوست کنند. اکثریت نتوانستند خیار را به خوبی پوست کنند!

رهبر: یک مهندس از ذهنش استفاده می‌کند اما کسی که هم از دست و هم از ذهنش استفاده کند، هنرمند است. در واقع هماهنگی ذهن و دست یک مهارت محسوب می‌شود.

دهقان: با پرداختن به مهارت‌ها می‌توان بچه‌ها را به سمت پرورشگری، که مشکل بسیاری از آن‌ها است، یا مهارت‌های رفتاری یا همین بحث دست‌ورزی که آقای رهبر اشاره کردند، هدایت کرد. حالا من دبیر چه کمکی می‌توانم به بچه‌ها بکنم. بچه‌ها را ترغیب کنیم، ابزار در اختیارشان بگذاریم و به هر دانش‌آموز امتیازی بدهیم. همچنین من به عنوان معلم آزمایشگاه ابزاری دارم و دبیر پرورشی ابزار دیگری دارد که می‌تواند برای آموزش یک مفهوم مشترک هم راستا شود، اما باید برای این‌ها وقت گذاشت، دستورالعمل نوشت، باید هدفمند شوند. همچنین برای طرح مطالعه و تحقیق که خود من هم به صورت مشخص با دانش‌آموزان کار می‌کنم، باید به سمت مهارت‌ها برویم تا نتایج از تئوری به عمل برسد.



این‌که حالا همایشی برگزار شود و دانش‌آموزان هم طرح‌هایشان را به صورت تئوری ارائه دهند و برون، کار به جایی نمی‌رسد. مثل همین طرح‌هایی که هر سال آموزش و پرورش انجام می‌دهد اما اتفاق خاصی نمی‌افتد. همچنین به نظر می‌رسد می‌توان برخی درس‌های علوم، ریاضی یا هنر و ... را با استفاده از ظرفیت فنی و حرفه‌ای یا مرکز خلاقیت، به شکل بهتری اجرا کرد.

دانش آموزی
که کار با
مس را یاد
گرفته در
خانه به پدر
بیکارش این
فن را یاد
داده است و
حالا توانسته
منبع
درآمدی
برای خانواده
شود، پس
کار آفرینی
هم شده
است.

یادگیری و
تلاش برای
تغییر و
تحول، این
یک مهارت
مهم است که
دانش آموز
باید یاد
بگیرد.

و می‌توانند بفهمند از کدام شغل خوششان می‌آید، آرایشگری، پزشکی، معماری و ...، چون برای وارد شدن به هر شغلی فقط دانستن اطلاعات تئوری کافی نیست.

پیشنهادی هم دارم که با توجه به یکی شدن مطالب کتاب کاروفن‌آوری دختران و پسران، شرایطی فراهم شود که بچه‌های مدرسه دخترانه و پسرانه بتوانند از نمایشگاه‌های یکدیگر با رعایت نظم دیدن کنند، این می‌تواند تجربه خوبی برایشان باشد. چون پسرها هم کارهایی انجام می‌دهند که ظاهراً دخترانه است و کم پیش می‌آید که دوست نداشته باشند و برعکس دخترها هم کارهای پسرانه را دوست دارند. همان‌طور که آقای رهبر گفتند بچه‌ها یادگیری بیرون از محیط کلاس را خیلی دوست دارند، مخصوصاً کارگاه. چون کارگاه را به‌عنوان محلی مخصوص یادگیری مهارت‌ها می‌شناسند و در آن راحت‌تر هستند.

رضوی: به نظر من تشکیل کلاس‌های مهارتی راهی برای شناخت استعدادهای دانش‌آموزان است. وقتی دانش‌آموز خودش کلاسی که به آن علاقه دارد را انتخاب می‌کند حتی اگر در دروس تئوری خیلی ضعیف باشد در این کلاس چون با اختیار خودش شرکت کرده واقعا لذت می‌برد و اعتماد به نفسش تقویت می‌شود. من دانش‌آموزی داشتم که در زمینه درسی در کلاس تریکوبافی خیلی خوب خودش را نشان می‌دهد همین باعث شده در درسش هم تلاش بیشتری بکند، چون تشویق شده است. امروزه با توجه به روحیه بچه‌ها نیاز به کلاس‌های مهارتی در مدارس مخصوصاً دبیرستان دوره اول بیشتر احساس می‌شود.

زارع: با ایجاد تنوع در برنامه‌های آموزشی و فراگرفتن انواع مهارت‌ها می‌توان توانایی دانش‌آموزان را در جنبه‌های مختلف تقویت کرد که می‌تواند ادامه بحث هوش‌های چندگانه نیز باشد. لطفاً در مورد کلاس‌های مرتبط با طرح ایران مهارت که روزهای پنجشنبه در مدرسه شما برگزار می‌شود، توضیح دهید؟

روناسیان: برای پایه هفتم کلاس ACDL را داریم، در پایه هشتم، با نظرسنجی از بچه‌ها و خانواده‌ها قرار شد مهارت تعمیر موبایل و تبلت را آموزش دهیم چون در جامعه ما تقریباً همه با آن درگیر هستند. در پایه نهم هم کلاس کارآفرینی را داریم که می‌بحث جدیدی است زیرا خیلی از ما نمی‌دانیم چه شغلی متناسب با توان دانش‌آموز است. که این کلاس ابتدا برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان چندان مشخص نبود ولی با توضیحات آقای درخشان توجیه شدند.

زارع: تنوع کلاس‌ها حتی با توجه به مواردی که در طرح ایران مهارت هم به آن اشاره شده، به نظر کم می‌آید.

روناسیان: گفتم که ما چهار سال است این طرح را در مدرسه اجرا می‌کنیم. سال اول کلاس‌هایی مثل دومینو، رباتیک را تحت نظارت پارک علم‌وفن‌آوری داشتیم. سال بعد با همکاری صداوسیما، فن بیان را نیز به این کلاس‌ها اضافه کردیم چون دیدیم بعضی از بچه‌های ما نمی‌توانند خیلی راحت حرف بزنند. پارسال کلاس کمک‌های اولیه را هم داشتیم، برای این کلاس با اورژانس بیمارستان قرارداد بستیم که به‌خصوص برای بچه‌های پایه نهم بسیار خوب بود، حتی خود ما هم شرکت کردیم. مهارت استفاده از وسایل طبیعی را هم یک سال با کمک یکی از اعضای انجمن که در هیات کوهنوردی بودند، برگزار کردیم. به این صورت که بچه‌ها به کوه می‌رفتند و با طبیعت آشنا می‌شدند. اما امسال دیگر این کلاس‌ها را نداریم.



زارع: چرا حذف شدند؟

روناسیان: حذف نشدند اما برای اجرای طرح ایران مهارت، باید تمام کلاس‌ها زیر نظر سازمان فنی‌وحرفه‌ای باشد تا آموزش‌وپرورش آن را تایید کند. چون اگر از بین سیصد نفر، چهار نفر هم معترض داشته باشیم وقتی به آموزش‌وپرورش مراجعه کنند، آن‌ها می‌گویند این کلاس‌ها مورد تایید ما هستند. بنابراین باید طبق فهرست مشخص شده از سوی آموزش‌وپرورش کار کنیم و مثلاً کمک‌های اولیه و کوهنوردی در این فهرست نیست. اگر قوانینی داشته باشیم که دست ما را باز بگذارد، این دفعه به فرمایش شما می‌رسیم که به حق هم درست است ولی مشکل بزرگ ما قوانین آموزش‌وپرورش در این رابطه است.

رضوی: ما اول از بچه‌ها نظرسنجی کردیم و فرم‌هایی را با هماهنگی خانواده‌هایشان پر کردند. در نهایت از میان

رشته‌هایی که مشخص شده بود کلاس‌های یوگا، آشپزی، دومینو، کلاس سرود، ساخت زیورآلات و فن بیان مورد استقبال قرار گرفت. از کلاس‌هایی مثل خوشنویسی، کامپیوتر و طراحی روی پارچه خیلی استقبال نشد.

زارع: به نظر می‌رسد مهارت‌های انتخابی تفکیکی هستند یعنی مهارت‌های دخترانه در مدرسه دخترانه و مهارت‌های پسرانه در مدرسه پسرانه. آیا نمی‌شود یک پسر آشپزی کند یا یک دختر موبایل تعمیر کند؟

روناسیان: چهار پنج سال قبل، مهارت آشپزی در کتاب حرفه‌وفن بود و خود من آن را خیلی جدی پیگیری می‌کردم، در اردوها بچه‌ها به صورت گروهی غذا می‌پختند.



چندین سال قبل از یکی از دبستان‌های پسرانه دوره دوم در تهران بازدید کردیم که نکته جالبش آموختن ده غذای سنتی یا آموزش تزریق سرم به‌صورت اجباری بود، که برای من خیلی جالب بود.

زارع: الان امکانش نیست که چنین کلاس‌هایی داشته باشیم. بچه‌ها استقبال می‌کنند؟

روناسیان: این جزو نیازهایی است که هیچ‌وقت از بین نمی‌رود. با توجه به شرایط زندگی که الان خانم‌ها هم شاغل هستند این آموزش‌ها لازم است. منتها آن مدرسه که گفتم امکانات خوب و فضای باز داشتند، ما هم اگر فکر کنیم شاید بشود کاری کرد، بچه‌ها هم که خیلی علاقه دارند.

زارع: باز خورد خانواده‌ها و دانش‌آموزان چگونه بوده است؟

رضوی: بچه‌ها که خیلی دوست دارند، ممکن است پنجشنبه‌ها در ساعت‌های اول که تست است حضور نیابند اما خود را به ساعت مهارت‌ها می‌رسانند، چون خیلی علاقه دارند. چند خانواده اول سال اعتراض کردند و گفتند ما اصلاً نمی‌خواهیم فرزندمان در این کلاس‌ها شرکت کند، اما همان چند مورد بود.

روناسیان: کلاس‌های مهارتی امسال ۶۰ تا ۷۰ درصد مطابق با نظر ما بوده است. سال‌های قبل برگزاری همزمان کلاس‌ها موجب بی‌نظمی می‌شد اما امسال برگزاری کلاس‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شد که این مشکل را برطرف کردیم. خانواده‌ها که هر سال بحث درس و تست مدنظرشان بود امسال کمتر به این بحث‌ها پرداختند البته ما هم توجه کردیم که زندگی فقط درس نیست. در مورد بچه‌ها هم هرچند کلاس‌ها اجباری بودند ولی وقتی می‌بینیم که زنگ نخورده در کلاس هستند می‌فهمیم که علاقه دارند. بچه‌ها نباید راضی بودنشان را حتماً بیایند بگویند، همین که اعتراضی نیست نشان می‌دهد مشکلی ندارند، با این حال ضعف هم وجود دارد.

زارع: آیا بین رشته‌های مختلفی که در دوره متوسطه اول وجود دارد تعامل برقرار می‌شود؟ می‌توان در جریان آموزش و انتقال محتوای کتاب، بحث مهارت‌ها را هم در نظر داشت؟

حبیبیان: من خوشنویسی را در قالب نقاشی‌خط با بچه‌ها کار کردم که در کتاب هم نیامده است. با توجه به این که بچه‌ها خوشنویسی را با قوت و ضعف‌های مختلف کار می‌کنند و اصولاً نستعلیق برای آن‌ها سخت است، من نوع خط را خیلی سخت نمی‌گیرم، می‌گویم هر کسی با فونت خاص خودش بنویسد و بر اساس آن روی بوم تصویرسازی کند. با این شیوه سعی می‌کنم به خوشنویسی علاقه‌مند شوند، یا به بچه‌ها می‌گویم پنجره‌ای کوچک را به شکل ماکت بر اساس اصول هندسه نقوش کار کنند.

زارع: مسلماً همه بچه‌ها قرار نیست نقاش یا معمار شوند. این مهارت‌های تکنیکی قرار است بچه‌ها را به کجا برساند؟

حبیبیان: مثلاً ماکت‌سازی تمرکز را بالا می‌برد چون باید خط صاف را با کاتر ببرند و همین باعث می‌شود هم مهارت دستشان و هم تمرکزشان بالا برود. یا در نقاشی‌خط به بچه‌ها می‌گویم حروف خوشنویسی را به شکل‌های مختلف حتی اسباب بازی تبدیل کنید، اجازه ندارید از نقش‌های اینترنتی استفاده کنید یا از کسی کمک بگیرید. این باعث می‌شود به خودباوری برسند و خلاقانه‌تر کار کنند.

حق‌جو: در چند مدرسه که به بچه‌ها بعضی از مهارت‌های فنی را آموزش می‌دهم، می‌توانند از آن برای آینده خود استفاده کنند. مثلاً در مدرسه‌ای کار با مس را آموزش دادم،

من به عنوان
معلم
آزمایشگاه
ابزاری
دارم و دبیر
پرورشی ابزار
دیگری دارد
که می‌تواند
برای آموزش
یک مفهوم
مشترک
هم راستا
شود، اما باید
برای این‌ها
باید وقت
گذاشت،
دستورالعمل
نوشت، باید
هدفمند
شوند.

در حالی که در فهرست ویژگی‌های مربوط به متوسطه دوره اول هیچ درسی بر دیگری ارجحیت ندارد. ریاضی و ورزش و هنر در یک جایگاه قرار دارند. باید فرهنگ‌سازی شود که این اتفاق بیفتد، هرچند کار خیلی مشکلی است، ولی فکر می‌کنم همین مدارس غیردولتی هستند که باید پیشقدم شوند.

دانش‌آموزی که کار با مس را یاد گرفته در خانه به پدر بیکارش این فن را یاد داده است و حالا توانسته منبع درآمدی برای خانواده شود، پس کارآفرینی هم شده است.

مجدی: یکی از مهارت‌هایی که هر معلمی باید روی آن کار کند، همان‌طور که گفته شد تقویت روحیه پرسشگری بچه‌ها است. فرآیندی که در آن دانش‌آموزان می‌فهمند چگونه طرح مساله کنند، مشکلات و معضلات جامعه را ببینند، راهکار بدهند و تغییر ایجاد کنند. یادگیری و تلاش برای تغییر و تحول، این یک مهارت مهم است که دانش‌آموز باید یاد بگیرد. یکی از دانش‌آموزانم موضوع آب را انتخاب کرد. گفتم اول باید بومی‌سازی کند. گفت یزد خود مشکل کم آبی دارد. مساله برای دانش‌آموز ایجاد شد که چه عواملی باعث مشکل کم آبی در استان ما می‌شود؟ عامل اقتصادی، فرهنگی یا موارد دیگری وجود دارد که موثر است. باید دانش‌آموز را در مسیری قرار دهیم که مدام سوال کند. بعد از دانش‌آموز پرسیدم: خودت چه راهکاری داری، و او راهکارش را ارائه داد. این یعنی تغییر و تحول، یعنی دانش‌آموز روی مطلب کار کند و با خلاقیت خود تغییر بدهد و تحول ایجاد کند.

دهقان: ببینید دبیر ابزارش محدود است، من داده‌ها و اطلاعاتی را به دانش‌آموز ارائه می‌دهم. هر چند بعضی از بحث‌ها مرتبط با دست‌ورزی هم وجود دارد اما به عنوان معلم علوم خیلی نمی‌توانم گسترده کار کنم. نهایت می‌توانم دانش‌آموز علاقه‌مند را هدایت کنم ایده را از او بگیرم شاخ و برگش بدهم، بعد تحقیق و پژوهشی انجام دهد تا پیش‌زمینه‌ای در او ایجاد و وارد حلقه بعدی شود. این حلقه می‌تواند کاروفن‌آوری، فنی‌وحرفه‌ای، مرکز خلاقیت یا خانواده باشد. سال گذشته چند دانش‌آموز را که به بحث نانو علاقه‌مند بودند به پارک علم‌وفن‌آوری معرفی کردم تا در کارگاه‌های نانو شرکت کنند. همچنین دانش‌آموز پیگیری داشتیم که به او تا جای ممکن، کمک کردم، در نهایت دستگاهی تهیه کرد که چادری با تجهیزات مختلف بود. پدرش هم حمایت کرد و اینجا است که می‌گویم خانواده خیلی نقش دارد و این دانش‌آموز توانست دستگاهش را ثبت کند. حالا اگر بتواند دستگاهش را به تولید برساند زندگیش دگرگون می‌شود. اما باید کسی باشد که حمایت کند، خانواده و مدرسه هم همراهی کنند تا پروژه‌هایی که طراحی می‌شود را عملی کنیم.

حق‌جو: ما هم چند سالی است جشنواره نوجوان خوارزمی داریم، خود من هم داور این جشنواره در استان هستم. در پایه هفتم که پودمان نوآوری و فن‌آوری داریم، بچه‌ها را توجیه می‌کنیم که اختراع کنند. اول بچه‌ها با نگرانی می‌گویند خانم ما اختراع کنیم؟! بعد که پودمان را تدریس می‌کنیم می‌فهمند که می‌شود. بچه‌ها ایده‌های خوبی دارند ولی نمی‌توانند به تنهایی آن‌ها را عملی کنند، حتما

باید یک نفر کمکشان کند، بعضی بچه‌ها این پشتوانه را ندارند.

درخشان: ما در مرکز خلاقیت کنار این دانش‌آموزان هستیم یعنی برای اجرای ایده‌هایشان از صفر تا صد. به کسی که ایده خوبی دارد، اگر مربی ساخت نیاز دارد در اختیارش می‌گذاریم یا تا سقف ۲ میلیون تومان کمک بلاعوض می‌کنیم. به همین دانش‌آموز هم که اشاره کردید کمک کردیم و هزینه طرحش را دادیم تا اختراعش را ثبت کند.

حق‌جو: بله دانش‌آموز ثبت اختراع هم می‌کند، ولی توجیه نیست که چگونه می‌تواند کارش را به مرحله عمل برساند. البته من هم که سال‌ها است این درس را تدریس می‌کنم تا الان نمی‌دانستم که پارک علم‌وفناوری در این رابطه حامی دانش‌آموزان می‌شود.

درخشان: ببینید ما چند سال است که متنی به مدارس داده‌ایم. مراحل تبدیل ایده به محصول و حمایت‌هایی که پارک علم‌وفن‌آوری می‌تواند انجام دهد را در یک جدول مشخص و در مدارس نصب کردیم، همچنین برای راهنمایی بیشتر هم رابطینی در مرکز خلاقیت داریم. اولین نکته مهم به نظر من ترویج فرهنگ مهارت‌آموزی میان خانواده‌ها و دانش‌آموزان است. اول برای این کار می‌توان از فردی دعوت کرد تا درباره مهارت‌ها صحبت کند و بعد، از طریق نشریه به دست دانش‌آموز و خانواده برسد. دوم اگر فردی بخواهد در جامعه موفق شود و مهارت‌هایی که کسب کرده را به کار ببندد باید به گفته کارشناسان، مهارت‌های سخت و نرم را یاد بگیرد، مهارت سخت چیست؟ مثل همین تعمیرات موبایل، بحث‌های الکترونیک یا هر چه که جنبه تکنیکی دارد، جزو مهارت‌های سخت است. مهارت‌های نرم هم مهارت‌هایی است که باید مکمل مهارت‌های سخت شود، مثل مهارت حل مساله، مهارت مذاکره، مهارت تفکر انتقادی، مهارت صحبت کردن. این اتفاق امسال در دبیرستان دوره اول افتاده است یعنی ترکیبی از هر دو مهارت را داریم. مثلا بچه‌هایی که تعمیر موبایل را یاد می‌گیرند، سال آینده با مباحث کارآفرینی آشنا می‌شوند. واقعیت این است که دوره استخدام و کارهای استخدامی تمام شده است و بچه‌ها راهی ندارند جز این که مهارت‌هایی که یاد می‌گیرند را در آینده به کار و شغل برای خود تبدیل کنند.

زارع: آیا در ده یا بیست سال آینده، جامعه ما به همین مهارت‌هایی که الان دانش‌آموزان را ملزم به فراگیری آن‌ها می‌کنیم، نیاز دارد؟ به عبارت دیگر این مهارت‌ها جوابگوی نیاز جامعه فردا است؟

درخشان: بله قطعاً بحث‌های روز است. دو یا سه سال قبل در مرکز خلاقیت دوره‌هایمان خیلی محدود بود، ولی

در یک جایگاه قرار دارند. باید فرهنگ‌سازی شود که این اتفاق بیفتد، هرچند کار خیلی مشکلی است، ولی فکر می‌کنم همین مدارس غیردولتی هستند که باید پیشقدم شوند چهار سال پیش آقای مهندس سفید جرقه اضافه شدن کلاس‌های مهارتی را زدند، زمانی که هیچ‌گونه کار مهارتی در مدارس ما انجام نمی‌شد و الان ما در این زمینه چهار سال تجربه داریم. این باعث می‌شود کم‌کم مدارس دیگر نیز به این سمت بروند همان‌طور که وزارت خانه هم امسال طرح مهارتی را جدی گرفت.

خوشبختانه در سند درس ملی، برنامه ساعت‌های دوره متوسطه این‌گونه مشخص شده است: از ۱۱۰۰ ساعت ۸۳۶ ساعت آموزش باید در کلاس باشد، ۱۵۴ ساعت خارج از کلاس و ۱۱۰ ساعت هم در اختیار مدرسه قرار دارد. که طرح ایران مهارت هم در این قسمت قرار می‌گیرد. طرح دیگری هم با عنوان طرح ویژه مدرسه داریم که در قالب برنامه درسی است و مدیر می‌تواند ۲ ساعت را در هفته به کارهای مختلفی از جمله بازدید یا کارهای هنری و مهارتی اختصاص دهد، البته این طرح به‌تازگی آمده و جای کار دارد. در نتیجه می‌بینیم که اگر بخواهیم کار کنیم دستان باز است.

اما چند مورد است که باید توجه کنیم و در صحبت‌های جمع هم بود. یکی این‌که توجه به مهارت‌محوری باید در دوره متوسطه اول اتفاق بیفتد. دوم، مهارت‌ها می‌تواند هم در زمان رسمی و هم غیررسمی آموزش داده شود. خوب است که آقای درخشان با دبیران کاروفن‌آوری، فرهنگ‌و هنر و حتی دیگر دبیران همکاری کنند. سوم، ایجاد زمینه مناسب برای شناسایی استعداد‌های مهارتی و کمک به هدایت تحصیلی دانش‌آموزان. اغلب فکر می‌کنند که وقتی دانش‌آموزی در کلاس آشپزی شرکت می‌کند، باید آشپز شود، اما هدف دوره متوسطه اول این است که دانش‌آموز بفهمد مثلاً در کارهای فنی می‌تواند موفق شود یا در پژوهش یا حسابداری یا ...، چهارم، پیشقدم بودن مدارس غیردولتی در اجرای این برنامه‌ها است. پنجم که از همه مهم‌تر است استمرار برنامه‌های مهارتی در سه سال دوره متوسطه است، که در مدرسه پسرانه این اتفاق افتاده است. در دخترانه هم انشاالله از سال بعد به همین سمت خواهیم رفت تا خروجی ما مشخص شود. ششم خانواده، محور کارهای مهارتی ما را بداند حتی می‌توانیم کلاس‌ها را به‌صورت پودمانی برگزار کنیم. هفتم اختصاص برنامه‌های خارج از ساعت رسمی برای کلیه دانش‌آموزان که باید هم استمرار داشته باشد و هم مدرسه قادر در برنامه‌ریزی مطلوب سالانه باشد.

الان دوره‌های جدیدی را آوردیم. مثلاً همین فن بیان، یکی دو سال پیش در مدارس هم اجراش کردیم، یا فناوری اطلاعات یا الکترونیک که یک نیاز جدید است. البته ما نمی‌توانیم یک مهارت را در چند جلسه به‌طور کامل یاد بدهیم و هدف بیشتر ایجاد یک جرقه در ذهن دانش‌آموز و ایجاد جسارت برای ورود به مباحث مختلف در دانش‌آموزان است.

رهبر: خیلی از مهارت‌هایی که سی سال گذشته در یزد مرسوم بوده دوباره رونق گرفته است. به قول معروف «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش/ باز جوید روزگار وصل خویش». حدود پانزده سال پیش در مغازه‌های خیابان مسجد جامع تعطیل بود، ولی الان دوباره مغازه‌ها باز شدند که هیچ‌کدام نه موبایل تعمیر می‌کنند نه کارهای الکترونیکی، همه مربوط به مهارت‌های دوره‌های گذشته هستند. این مهارت‌ها نمی‌میرند، بلکه ضرورت زندگی ایجاد می‌کند که به کارها و مشاغل گذشته برگردیم.

زارع: بله این بازگشت وجود دارد اما با نگاهی نو. آقای فراشاهی نظرتان را راجع به صحبت‌هایی که شد بفرمایید.

فراشاهی: به زبان ساده مهارت حتماً نیاز نیست در کارگاه با آچار و پیچ‌گوشتی و لباس کار آموزش داده شود، بلکه می‌تواند کارهای پژوهشی، فن بیان، شیوه‌های مقابله با استرس، گفت‌وگو و از این دست باشد. اما در مجموع مدارس ما باید به مدرسه زندگی تبدیل شوند. مدرسه زندگی یعنی چه، یعنی تمرین زندگی، آموزش مهارت زندگی به دانش‌آموزان و پیوند امروزشان با آینده. بنابراین دبیرستان‌های دوره اول می‌توانند مهارت‌محور باشند.

در سند تحول آموزش و پرورش هم از ۶ ساحت، ۳ ساحت به بحث مهارت در آموزش پرداخته است: یکی ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، ساحت تربیت علمی، کاروفن‌آوری و دیگری تربیت زیبایی شناختی و هنری. اما ما برای پرداختن به موضوع مهارت‌ها در آموزش با سه انتظار مواجه هستیم.

۱- واقعیتی که در جامعه وجود دارد که چقدر آموزش‌های ما مفید بوده است.

۲- انتظار سند تحول و برنامه درس ملی که قانون است و باید اجرا کنیم که به جزییات آن اشاره کردم.

۳- انتظار و توقع والدین است، مخصوصاً در مدارس غیردولتی که روی درس و نمره فرزندشان حساس هستند. که آیا نمره بیست گرفته، آیا در ریاضی قوی است، ولی کم پیش می‌آید جویای درس هنر شوند. درحالی‌که در فهرست ویژگی‌های مربوط به متوسطه دوره اول هیچ درسی بر دیگری ارجحیت ندارد. ریاضی و ورزش و هنر